

تنها سرنگونی رژیم پایان جنگ را امکان پذیر می کند

پس از کشاندن دامنه جنگ به شهرها و کشتار هزاران نفر از مردم بی دفاع و ویرانی و خرابی بی شمار، سران رژیم برای گرم نگاهداشتن تنور جنگ، حمله جدیدی را در منطقه قصر شیرین آغاز کردند، که این بار هم با شکست روبرو شد و صدها نفر دیگر از جوانان ما قربانی ماجراجویی نوبتی رژیم "ولایت فقیه" شدند.

مردم ایران در جریان تظاهرات گسترده ای که در اکثر شهرها جریان داشت نشان دادند که خواهان پایان جنگ خانمانسوزی هستند که حکومت خمینی به آنها تحمیل کرده است. ولی رژیم برای پیشبرد نقشه های توسعه طلبانه خود به سرکوب خواسته های صلح خواهانه توده های مردم می پردازد.

طبق آماري که در مطبوعات خارجی منتشر شده است، تاکنون ۷۰۰ هزار نفر ایرانی و عراقی قربانی جنگی شده اند که امپریالیسم تجاوزکار آمریکا آتش بیار آن است. این اصل که در این جنگ فقط امپریالیسم برنده خواهد بود، مورد قبول همه مفسرین بیغرض در جهان است. اما سران خیانت پیشه ج.ا. منکر آنند. خمینی کسانی را که صلح می خواهند "طرفدار های آمریکا" معرفی می کند. خامنه ای بدون ذره ای شرم می گوید:

"بعضی ها ساده لوحانه ... قبول کردند که آمریکا مایل است این جنگ ادامه پیدا کند تا دو طرف ضعیف بشوند. این تفسیر، تفسیر غیر واقعی و غلطی است. آمریکا این را نمی خواهد."

موسوی نخست وزیر رژیم مدعی است که صلح "استقلال ما و انقلاب اسلامی ما را به خطر می اندازد". او هم با اصرار و ابرام می کوشد ثابت کند، انکار امپریالیسم آمریکا مخالف جنگ است.

به کمیته مرکزی حزب توده ایران در صفحه ۵

گل سرخی که هیچگاه نخواهد پژمرد

CHAM DUT CHIEN DICH KHUNG BO
DOI VỚI ĐẢNG TƯ-ĐE VÀ NHỮNG NGƯỜI
YEU NUOC I-RAN!

چندی پیش "نان دان" ارکان مرکزی حزب کمونیست ویتنام، مقاله ای زیر عنوان "به کارزار تروریسم و سرکوب حزب توده ایران و میهن پرستان ایرانی باید پایان داده شود" منتشر ساخت.

در این مقاله، که با عکسی از دیدار هیئت نمایندگی ویتنام، از دبیرخانه حزب در تهران پس از انقلاب همراه است، می خوانیم:

"سالهاست، که حزب توده ایران قربانی کارزاری خونین و سرکوبگری دهشتناک شده است. بسیاری از اعضا و رهبران حزب به زندان افتاده اند و ددمنشانه شکنجه می شوند.

بقیه در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ماخیمه شب بازی انتخابات را تحریم می کنیم

انباشته از بهترین فرزندان خلق است. روزی نیست که دادگاههای شرع چندین حکم چابرا نه اعدام و زندان دراز مدت صادر نکنند. هرگونه تظاهرات مسالمت آمیز خلق علیه پیدادگری های رژیم با سرنیزه ارکانهای سرکوبگر روبرو می شود. کوتاه سخن، انتخابات رییس جمهوری بقیه در صفحه ۶

رژیم در تدارک انتخابات رییس جمهوری است. این انتخابات در شرایطی برگزار می شود، که در کشور ما اثری از آزادی نیست. آزادی بیان، قلم، اجتماعات، احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه های صنفی و سندیکاها و شوراها پایمال تجاوز و تعدی سران خیانت پیشه جمهوری اسلامی شده است. زندانها



دوره هشتم / سال دوم / شماره ۵۷
پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۴
بهاء ۲۰ ریال

خطر مرگ توده ای های دربند را تهدید می کند

علیه جنگ که روز به روز دامنه بیشتری پیدامی کند سخت به وحشت افتاده است. این است که با پاشیدن تخم هراس در داخل جامعه توده های وسیع مردم را از ادامه مبارزه بازدارد. رژیم از سویی بر میزان فشار و شکنجه در زندانها افزوده است و از سوی دیگر با افزایش تعداد کشتی هادر خیابانها می کوشد تا توان هر نوع حرکت آزادی طلبانه ای را از مردم سلب کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد.

ما یک بار دیگر خطاب به همه مردم آزاده و نیروهای مترقی اعلام می کنیم و از آنها استمداد می طلبیم که برای نجات جان هزاران نفر زندانی سیاسی و از جمله توده ای های دربند از هیچ کوششی فروگذار نکنند. در شرایط کنونی وظیفه نیروهای مترقی و انقلابی است که با اتحاد عمل با یکدیگر و مبارزه مشترک و سازمان دهی توده ها و خانواده های زندانیان سیاسی، در راه آزادی بهترین فرزندان خلق از زندانها به پیکار بی وقفه خود ادامه دهند. همانطور که قبلا نیز متذکر شده ایم در شرایط کنونی افشاء جنایات رژیم در سطح ایران و جهان و تجهیز افکار عمومی می تواند موجب نجات زندانیان محکوم به مرگ شود. وظیفه شاخه های حزبی در داخل و خارج کشور است که همه نیروی خود را در این راه بسیج کنند.

به موازات مبارزه خستگی ناپذیر حزب ما و دیگر نیروهای مترقی در راه آگاهی توده ها و سازماندهی آنان برای سرنگونی رژیم، سران ج.ا. که پایه های حکومت چابرا نه خود را ست می بینند، سخت به وحشت افتاده اند و به طرز وحشتناکی بر میزان فشار خود بر زندانیان سیاسی بویژه توده ای های دربند افزوده اند. اینک خطر مرگ جان دهها نفر از زندانیان توده ای را تهدید می کند. مطبوعات رادیوهای خارجی گزارش می دهند که اخیرا ۱۵ نفر از توده ای ها و دیگر نیروهای چپ و مترقی به اعدام محکوم شده اند. بر اساس گزارشهای موثق، محاکمه توده ای ها همچنان در بدترین شرایط شکنجه های جسمی و روانی در دادگاههای غیر علنی و پشت درهای بسته ادامه دارد. دادگاههای شرع تاکنون حکم محکومیت تعداد زیادی از رفقای ما را به زندانهای دراز مدت صادر کرده اند. علاوه بر آن در ماههای اخیر چندین نفر از اعضای کمیته مرکزی و کادرهای مرکزی حزب توده ایران در زیر شکنجه جان باخته اند. رژیم تلاش می کند مرگ آنها را تا آنجاکه می تواند از افکار عمومی پنهان بدارد. به این دلیل از با خبر کردن خانواده زندانیان سیاسی در مورد مرگ عزیزانشان سرباز می زند.

هدف رژیم که از مبارزات اعتصابی کارگران، مقاومت دهقانان و تظاهرات مردم سرتاسر کشور

شکارچیان انسان در کمین توده ای ها شهادت دو رفیق توده ای به دست کومه له ای ها

نیز به توده ای ها یورش بردند و طی یک توطئه ناجوانمردانه دو تن از رفقای کارگر ما را با فجیع ترین شکلی به قتل رساندند.

در ۱۵ فروردین ۶۲ رفیق ناصر هاشمی توسط این جانپان در سنندج ترور شد. رفیق ناصر که زخم مهلکی برداشته بود با فریاد زنده باد حزب توده ایران توانست خود را به بیمارستان برساند. وی

بقیه در صفحه ۵

در کردستان، دشمن در هر لباسی می تواند در کمین نیروهای انقلابی باشد. به همان نسبت که ارتش و سپاه مسلسل هایشان را رو به خلق کرد نشانه رفته اند. انقلابی نمایانی نیز هستند که از پشت خنجر می زنند و به رفتار قاتلان حرفه ای از جمله به شکار توده ای ها می پردازند.

به موازات یورش ناجوانمردانه رژیم به حزب پر افتخار ما، با خبر شدیم که جانپان کومه له ای

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

تنها سرنگونی رژیم پایان جنگ را امکان پذیر می کند

بدینسان سران رژیم به عنوان وکلای مدافع امپریالیسم جهانخواار آمریکا عرض اندام می کنند و می کوشند تا آب پاکی روی دست ریکان بریزند. ما معتقدیم که سران ج.ا. با ادامه جنگ فرسایشی عملا به امپریالیسم تجاوزگر آمریکا کمک می کنند. اینهم دلایل ما.

توسعه و تحکیم حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، ایجاد پایگاههای جدید در عمان، عربستان سعودی، سومالی، کنیا و غیره در ارتباط مستقیم با جنگ بین ایران و عراق بوده و هست.

واشنگتن اهمیت زیادی به منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از منابع عمده نفت می دهد. در سال ۱۹۸۴ بیش از ۲۰ درصد نفت خام جهان سرمایه داری در این منطقه تولید می شد. ۶۷/۲ درصد کل ذخایر نفت، این ماده استراتژیک و ۴۴/۲ درصد ذخایر گاز جهان سرمایه داری در این منطقه متمرکز است.

منطقه ما اروپا و آسیا و آفریقا را به هم پیوند می دهد. بعد از انقلاب اکتبر، دول امپریالیستی این منطقه را به مثابه "کمربند حفاظتی" برای باصلاح حفظ "منافع خود" اعلام کردند. این سیاست تا امروز ادامه دارد. فقط نابینایان سیاسی می توانند ماهیت این سیاست امپریالیسم را نفی کنند.

هنری کیسینجر در مقاله ای در "هرالد تریبون" به دول امپریالیستی توصیه می کند که "برای شرایط احتمالی ناشی از اضحلال ثبات

بقیه از صفحه ۱

سیاسی" در منطقه خلیج فارس باید "طرحی آماده داشته باشند". به نوشته او، این تلاش "در یک صورت عبث خواهد بود و آن در صورتی است که یکی از طرفهای درگیر جنگ (ایران و عراق) پیروزی بلاشرطی بدست آورد".

کیسینجر بر خلاف ادعای خمینی و خامنه ای و موسوی صریحا می گوید که ادامه جنگ باید به تضعیف هر دو طرف در گیر پایان یابد. چرا؟ برای اینکه فقط در چنین شرایطی امپریالیسم آمریکا به اجرای نقشه های اهریمنی خود در منطقه موفق خواهد شد.

سیاست ادامه جنگ نیاز به جنگ افزار دارد. رژیم برای خرید تجهیزات نظامی به انحصارهای امپریالیستی روی می آورد و سهم هر چه بیشتری از بودجه کشور را صرف هزینه های رو به افزایش جنگ می کند. این نیز مستلزم فروش هر چه بیشتر نفت به انحصارهای نفتخوار تحت شرایط تعیین شده از جانب آنان و به بیان دیگر تشدید وابستگی همه جانبه به بازار جهان سرمایه داری و مالاتبعیت از آمیال آزمندان سیاسی آنها است. ادامه جنگ و تضعیف بنیه اقتصادی و مالی رژیم موجب آن گشته است تا رژیم سیاست اقتصادی خود را در انطباق با خواست انحصارهای امپریالیستی تنظیم کند.

سرکوب نیروهای انقلابی و تشدید کارزار کمونیسم ستیزی به مثابه یکی از خواستهای عمده امپریالیسم آمریکا که می بایست زمینه تقویت مواضع عمال امپریالیسم را در کشور فراهم آورد،

یکی دیگر از نتایج قهری ادامه جنگ است. امپریالیسم آمریکا برای آن خواهان ادامه جنگ فرسایشی است که می داند تضعیف توان دفاعی ایران، میهن ما را در مقابل دست نشانندگان آمریکا مانند ترکیه و پاکستان آسیب پذیر خواهد کرد. هم اکنون سردمداران رژیم در دامی که امپریالیسم آمریکا در این زمینه گسترده است، گرفتار شده اند. روابط گسترده اقتصادی و سیاسی و نظامی ج.ا. با این دو کشور که در سر سپردگی آنها به واشنگتن جای کوچکترین تردیدی نیست، زائیده ضعیفی است که رژیم دچار آن است.

همه آنچه ما بر شمریم بیانگر ژرفای خیانتی است که رژیم با ادامه جنگ بی حاصل در قبال مردم ایران مرتکب می شود. مبارزه علیه این سیاست ایران بر باده وظیفه همه ایرانیانی است که به آزادی و استقلال میهن خود علاقه مندند.

مردم ایران از جنگ متنفرند و از بیماران شهرها و روستاها و خانه هایشان بسته آمده اند. آنها در برابر شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" حکومت خمینی، فریاد "مرگ بر جنگ طلب" می کشند و خواهان صلح عادلانه هستند. دستیابی به صلح و امنیت فقط با تشدید مبارزه امکان پذیر است. تا وقتی که رژیم خمینی پابرجاست، مردم میهن ما از امنیت محروم خواهند بود. به عمر این رژیم خو نخوار باید پایان داد. باید تمام نیروها را در راه سرنگونی رژیم جنگ افروز "ولایت فقیه" تجهیز کرد.

با انحصارهای انگلیسی فاش ساختیم. حکومت خمینی برای پنهان ساختن معاملات خود با کشورهای امپریالیستی و بویژه ایالات متحده آمریکا، به فروشندگان اسلحه اطلاع داده است که باید حتما یکی از کمپانی های ترکیه را به عنوان واسطه انتخاب کنند. چنانکه می دانیم انحصارهای آمریکایی تقریبا در همه شرکت های ترکیه سرمایه گذاری کرده اند. در حال حاضر اکثر کمپانی های اسلحه سازی غرب نمایندگان خود را برای تماس با ایران به ترکیه اعزام می کنند. افزون بر این، ایرانیانی که در گذشته نمایندگی های انحصارهای آمریکایی را در ایران به عهده داشتند نیز شروع به فعالیت کرده اند.

مثلا، قادری نامی که مدتها در ایران نمایندگی یکی از کمپانی های آمریکایی را به عهده داشت و بعد از انقلاب، نمایندگی های کمپانی را در آسیا و آفریقا اداره می کرد، چندی پیش به دعوت مقامات ج.ا. سفری به تهران کرد. در این سفر او، به نمایندگی از کمپانی های آمریکایی قراردادهایی نیز با سران ج.ا. به امضاء رساند. طبق اخبار رسیده قادری بزودی برای فروش تجهیزات نظامی آمریکا بار دیگر به ایران خواهد رفت.

چنین است فقط گوشه ای از زو بندهای حکومت خمینی با انحصارهای امپریالیستی که سران رژیم از افکار عمومی پنهان می دارند.

حکومت خمینی و انحصارهای اسلحه سازی

غربی استفاده می کند.

مثلا، کارخانه اسلحه سازی "بردا" در ایتالیا توپهای ساخت کارخانه "بوفوروش" ویا آلمان غربی سیستم های کنترل آتش از نوع "و.ل.۹۰" ویا کامپیوتر و رادارهای ساخت فیلیپس سوئد را به صورت غیر قانونی به کشورهای خلیج فارس می فروشد.

انحصار اسلحه سازی "بوفوروش" هم اکنون سرکرم احداث یک کارخانه شیمیایی در نزدیکی اصفهان است. ساختمان این کارخانه که به نوشته مطبوعات سوئدی می باید مواز جمله مواد منفجره تولید کند به یکی از شرکت های جنبی "بوفوروش" به نام "سکانسکا" سپرده شده است. ارزش این کارخانه ۷۰۰ میلیون کرون تخمین زده می شود.

به نوشته "داگزن نی هتر" چندی پیش دولت عراق تهدید کرد که برای از بین بردن این کارخانه، منطقه اصفهان را بمباران خواهد کرد. تردیدی نیست که در صورت اجراء این نقشه، صدها هزار از ساکنین حوالی کارخانه شیمیایی با خطر مرگ روبرو خواهند شد. فاجعه ای که چندی پیش در شهر "هوپال" هند روی داد، در آینده نزدیک در انتظار مردم اصفهان نیز هست. ما در شماره ۵۶ "نامه مردم" معاملات رژیم را

هاشمی رفسنجانی در این اواخر درباره به اصطلاح تولید تجهیزات نظامی در ایران زیاد سخن می گوید. هدف نیز روشن است؛ پرده پوشی ارتباطات نزدیک ج.ا. با انحصارهای اسلحه سازی جهان غرب.

۵ ژوئن سال ۱۹۸۵ روزنامه سوئدی "داگزن نی هتر" فقط گوشه ای از زو بندهای پشت پرده حکومت خمینی را با مجتمع های نظامی صنعتی سوئد و دیگر کشورهای اروپای غربی فاش ساخت که ماهیت رژیم را بر ملا می سازد.

روزنامه می نویسد:

"گمرک سوئد "بوفوروش" را متهم می کند که مقادیر زیادی تجهیزات نظامی به ایران تحویل داده است ... اتهام گمرک مربوط به صدور مواد منفجره ای است که به عنوان تجهیزات نظامی درجه بندی شده است. این مواد منفجره بویژه در انواع فشنگ ها و موشکها و غیره بکار برده می شوند".

به نوشته روزنامه سوئدی تاکنون انحصار اسلحه سازی سوئدی به مبلغ ۱۰۰ میلیون کرون تجهیزات نظامی به ایران صادر کرده است. به موجب اخباری که سازمان صلح سوئد انتشار داده، "بوفوروش" برای صدور تجهیزات نظامی به ایران از کشورهای واسطه مانند ایتالیا و آلمان

اقتصاد و رشکسته و نتیجه قهری آن

اخیرا هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای به مناسبت عملکرد یکساله مجلس گفت:

... عملکرد یکساله مجلس رضایتبخش است و مایه امید برای سه سال آینده ما خواهد بود.

نخستین سئوالی که در ارتباط با این پاسخ رییس مجلس رژیم مطرح می شود این است که رضایتبخش از نظر چه کسانی؟ بدون ذره ای تردید می توان گفت که عملکرد مجلس در یکسال گذشته کلا در جهت حفظ منافع مشتی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان غارتگر بوده و طبعا موجبات رضایت خاطر آنها را فراهم آورده است.

اگر سران رژیم فراموش نکرده باشند در مراسم افتتاح دومین دوره، وظایفی که به عهده مجلس واگذار شد، عبارت بودند از حل مسائل اقتصادی، مبارزه با تورم، حل مسئله مسکن و زمین، رسیدگی به امور محرومان و قشرهای کم درآمد و حل مسئله کشاورزی.

مجلس و دولت چه گامهایی در این راه برداشته اند که "مایه امید برای سه سال آینده" باشد؟

ساختار اقتصادی نامتوازن و عقب مانده

آخرین ارقام مربوط به ترکیب منابع عمده تولید ناخالص ملی، نشانگر آن است که خدمات شامل ۵۰ درصد کل تولید ناخالص ملی می شود. سهم کشاورزی ۱۸ درصد، صنایع ۹/۹ درصد و نفت ۱۶/۷ درصد است.

این پیکره ها موید واپس ماندگی عمیق صنعتی کشور است. رشد اقتصادی به معنی تجدید تولید فزاینده کل تولید اجتماعی است. رشته های گوناگون اقتصاد ملی در ایجاد کل تولید اجتماعی نقش حیاتی دارند. تجربه کشورهای صنعتی مبین آن است که افزایش کل تولید ناخالص ملی، به طور عمده با رشد سریع تولید کالا در رشته های صنعتی امکان پذیر می شود. از این نقطه نظر باید دید که وضع کشور ما در شش سال و اندی پس از انقلاب چگونه است؟

سردمداران رژیم می کوشند چنین وانمود سازند که چرخهای اقتصاد کشور راه افتاده و رشد اقتصادی نیز در سالهای اخیر با اصطلاح چشمگیر بوده است. ولی آمار رسمی فوق الذکر، قبل از هر چیز، نشان دهنده عدم توازن عمیق در ساختار اقتصاد ملی است. مقایسه سهم نفت با سهم کشاورزی، یعنی یکی از رشته های مهم اقتصاد از لحاظ تعداد شاغلین و یا مقایسه سهم تولیدات صنعتی با سهم خدمات که نصف تولید ناخالص ملی را در بر می گیرد، موید آن است که ساختار فنی، رشته ای و اجتماعی اقتصاد ملی ناپرابر و ناموزون بوده و هست.

سهم نازل تولید صنعتی در کل تولید ناخالص ملی موید واپس ماندگی عمیق صنعتی است. باید خاطر نشان ساخت، آهنگ فزاینده رشد اقتصادی که سران ج.ا. این همه روی آن تکیه کرده و می کنند در درجه اول به حساب تولید

نفت و بویژه بالا بودن قیمت آن است که این هم یک پدیده سنتی در اقتصاد کشور ما است. لذا، ادعای تقلیل وابستگی اقتصاد از نفت - که گویا هدف اساسی جمهوری اسلامی بوده و قاعدتا می بایست از طریق تولیدات صنعتی و معدنی به حساب رشد سریع صنایع تولید وسایل تولید و ایجاد تناسب بین رشد صنعتی و توسعه کشاورزی و نیز دیگر رشته های اقتصادی تامین گردد - نه تنها نتیجه ای ندهد، بلکه این وابستگی کماکان ادامه دارد و تشدید هم می شود.

مقایسه هزینه های جاری و درآمدهای چند سال اخیر، گویای آن است که هزینه ها همیشه بیش از تولید ناخالص ملی بوده است. بدینگر سخن رژیم نه قادر به افزایش تولید و نه قادر به سرمایه گذاری بوده و مالا روی درآمد نفت تکیه کرده است.

در بودجه سال ۶۴ حدود ۱۶۵ میلیارد تومان از محل درآمد نفت در نظر گرفته شده است که عملا مهمترین درآمد بوده است. زیرا ۱۰۲ میلیارد تومان دیگر که می باید از طریق مالیات مستقیم بدست آید، در واقع یک رقم کاذب است. در سال ۶۲ کل درآمد مالیاتی کشور ۲۹ میلیارد تومان و در سال ۶۳ حدود ۸۷ میلیارد تومان بود. این رقم در سال جاری هم از این حدود تجاوز نخواهد کرد، با توجه به اینکه سهم قابل ملاحظه ای از این درآمد نیز مالیات بر درآمد کارکنان دولتی است.

طبق اعتراف مقامات مسئول در جمهوری اسلامی میانگین ماهانه مالیات بر درآمد اخذ شده از هر نفر از ۲/۵ میلیون مشاغل آزاد از ۶۵ تومان تجاوز نمی کند، در حالیکه حقوق بگیران دولت ماهانه بطور متوسط رقمی معادل ۲۶۵ تومان مالیات می پردازند.

درآمد نفت بیش از ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور را تشکیل می دهد. صنایع کشور بدون درآمد نفت قادر به تولید نخواهند بود. زیرا هم اکنون میزان وابستگی کشور به خارج در زمینه ماشین آلات حدود ۹۵ درصد و در زمینه مواد اولیه ۷۵ درصد است. اگر روزی صادرات نفت قطع شود (با ادامه جنگ چنین خطری محتمل است) کل صنایع ایران از کار خواهد افتاد.

طی شش سال گذشته، رژیم فرصت های گرانبهایی را که می توانست تغییر نسبی در تولید صنعتی در جهت تامین خودکفایی ایجاد کند، به هدر داده است. موسسات صنعتی که در این مدت بوجود آمده اند نه تنها وابستگی صنعتی به جهان امپریالیستی را کاهش ندهد، بلکه آن را بیش از پیش تشدید کرده اند. این که در شش سال اخیر سهم خدمات به ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ شده است، نمونه بارز دیگر ورشکست اقتصادی رژیم است. اشتغال بخش عمده شاغلین کشور در خدمات، معرف آن است که افزایش سریع جمعیت در شهرها به حساب رشد صنعتی نبوده و زائیده افزایش سریع واحدهای کوچک غیر تولیدی بوده است. طبق برآوردی، در

حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار واحد صنعتی فقط در تهران مشغول به کار توزیع هستند. اگر در هرواحد صنعتی فقط سه نفر مشغول به کار باشند، در اینصورت ۷۵۰ هزار از اهالی فعال تهران در بخش توزیع مشغول کارند. اگر دهها هزار دستفروش و دوره گرد و صاحبان مشاغل کاذب و غیره را نیز به این رقم بیافزاییم به ژرفای فاجعه ای که سران ج.ا. در کشور ما بوجود آورده اند پی خواهیم برد.

تولید کشاورزی در حال سقوط است

در حالیکه روند رشد جمعیت ایران از میانگین رشد جمعیت جهان پیشی گرفته و به رقم ۲/۱ درصد در سال رسیده، میزان تولید مواد غذایی کشور در حال نزول است. طبق ارقام رسمی، جمعیت ایران در حال حاضر به ۴۲ میلیون نفر بالغ شده است که در ۲۰ سال آینده به ۸۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. بدینسان فرآورده های کشاورزی مورد نیاز برای تغذیه اهالی از ۲۰ میلیون تن (با محاسبه ۷۵۰ کیلو گرم سرانه) به ۶۰ میلیون تن خواهد رسید. هم اکنون تولید محصولات کشاورزی ایران از ۱۴ - ۲۰ میلیون تن تجاوز نمی کند. رژیم سالیانه میلیونها تن مواد غذایی وارد می کند. مثلا واردات انواع گوشت از ۸۲ هزار تن در سال ۵۴ به ۲۰۰ هزار تن در سال ۶۱ و ۲۰۰ هزار تن در سال ۶۲ رسید. واردات جو از ۵۲۴ هزار تن در سال ۶۱ به ۷۰۰ هزار تن در سال ۶۲ افزایش یافت. واردات گندم از ۱۶۷۰ هزار تن در سال ۶۱ به ۲ میلیون تن در سال ۶۳ بالغ شد.

طی شش سال اخیر زمینهای زیر کشت به علت عدم برنامه ریزی و نارسایی های گوناگون و از همه مهمتر خودداری رژیم از اصلاحات ارضی بسود دهقانان کم زمین و بی زمین و جانبداری از بزرگ مالکان، تغییر محسوسی نکرده است. در این مدت در نتیجه خیانت سران رژیم به منافع ملی در موارد عیدیه، تولید محصولات مهم کشاورزی بیش از پیش کاهش یافته است.

به موجب آماری که در "هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران" (شماره ۱۷ سال ۶۳) انتشار یافت، در سالهای اخیر در تولید ناخالص سرانه محصولات کشاورزی زیر، کاهش عمده ای بوجود آمده است: گندم ۱۷ درصد، برنج ۸/۷۵ درصد، چغندر ۲۲ درصد، پنبه ۶۵ درصد، دانه های روغنی ۶۵ - ۶۰ درصد.

این پیکره ها دلیل بارز تعمیم وابستگی کشور به واردات محصولات کشاورزی است.

دروازه های باز

سردمداران رژیم که در عرصه تولید صنعتی و کشاورزی با شکست مفتضحانه ای روبرو هستند به ناچار هرچه بیشتر به سیاست دروازه های باز روی می آورند. کل ارزش واردات کشور در سال گذشته به ۲۰ میلیارد دلار رسید. در سال ۶۴ ارزش واردات به ۲۲ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

بقیه در صفحه ۴

دست ترکیه تجاوزگر از خاک کردستان ایران کوتاه!

رژیم ج.ا. در ادامه سیاست سرکوب قسوات بار خلق کرد بار دیگر دست به دامان نیروهای مسلح ترکیه شده و از قوای این کشور متجاوز و عضویمان امپریالیستی ناتو در به خاک و خون کشاندن مردم زحمتکش کردستان و یورش به حزب دمکرات کردستان ایران کمک گرفته است. در اطلاعیه مطبوعاتی حزب دمکرات کردستان ایران در این باره گفته می شود: "طبق اطلاعات واصله بدنبال رفت و آمدهای مکرر میان مقامات ایران و ترکیه روز نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ مطابق نهم مه ۱۹۸۵ جلسه ای با شرکت فرمانده لشکر ۴۴ ارومیه و یک فرمانده عالیرتبه نظامی ترکیه در نقطه مرزی (سرو) چهل کیلومتری ارومیه تشکیل شده و پیرامون سرکوب جنبش حق طلبانه مردم کردستان ایران بوسیله نیروهای طرفین توافقاتی اصولی حاصل گردیده است.

بدنبال آن واحدهایی از ارتش ترکیه به دعوت و موافقت رژیم فقها وارد خاک ایران شده اند و بعد از هماهنگی های لازم، نیروهای ایران و ترکیه متفقا دست به انجام عملیات نظامی علیه مواضع پیشمرگان زده اند. اطلاعات واصله حاکی است که ایران و ترکیه مطابق یک طرح مشترک از هوا و زمین در منطقه (گلی به رده ره ش) نیرو پیاده کرده و بخشی از این منطقه را که در آنجا پیشمرگان حزب دمکرات فعالیت دارند، به اشغال خود در آورده اند" (بولتن خبری حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۱۱۲).

نخستین بار نیست که نیروهای مسلح دو رژیم ایران و ترکیه به سرکوب مشترک خلق کرده دست زده اند. سال گذشته نیز دست اندرکاران ج.ا. از ارتش متجاوز ترکیه در پیشبرد سیاست ارتجاعی خلق کشی در کردستان کمک گرفتند. پارسال طبق توافق قبلی میان سران دو کشور، یک واحد چهارهزارنفره از ارتش ترکیه به اتفاق نیروهای چترباز و ژاندارمری حریم ارضی ایران را نقض کردند و تا عمق ۵۰ کیلومتری خاک میهن ما پیش تاختند و به سرکوب پیشمرگان کرد پرداختند.

هماهنگی برنامه و وحدت عمل دو رژیم در به خاک و خون کشاندن زحمتکش کردستان یک امر اتفاقی نیست. عاملی که موجب مساعی دو رژیم در پیشبرد سیاست ارتجاعی در کردستان می شود، ماهیت ارتجاعی آنها است. در هر دو کشور توده های زحمتکش از فقر و محرومیت جانکاه اجتماعی رنج می برند، مبارزان راه آزادی و استقلال در معرض انواع فشارها و تضيیقات قرار دارند، بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران به ستم و استثمار توده های مظلوم و انحصارهای یغماگر امپریالیستی به تاراج ثروت ملی آنها سرگرم هستند و سردمداران هردو رژیم خصومت کین توزانه ای با جنبش رهایی خلقها در منطقه و در داخل کشور دارند.

در ترکیه نیز مانند ایران کردها به عنوان یک ملیت به رسمیت شناخته نمی شوند. هرکس از

حقوق، هویت و فرهنگ ملی خلق کرد سخن بمیان آورد و آداب و رسوم ملی کرد را گرامی بدارد، به کیفر می رسد. نظامیان ترکیه مدتهاست که علیه خلق کرد این کشور به لشکرکشی پرداخته و در مناطق کرد نشین به انواع جنایتهای رذیلانه دست زده اند. بی جهت نیست که ۷۵ درصد ارتش ۶۰۰ هزار نفری ترکیه در مناطق کرد نشین مستقر هستند.

زعمای ج.ا. در شرایطی که از یک نیروی متجاوز خارجی بمنظور پیشبرد سیاست انقیاد خلق کرد بهره می گیرند که همواره ادعا کرده و می کنند که در کردستان حاکمیت کامل و بی چون و چرای آنها برقرار است و منطقه از وجود پیکار گران دلاور کرد پاکسازی شده اند. اما در این مورد نیز واقعیت درست در نقطه مقابل ادعای بی اساس سردمداران رژیم قرار دارد. رخنه قوای متجاوز ترکیه به خاک میهن ما به منظور سرکوب خلق کرد و محدود ساختن دامنه فعالیت حزب دمکرات کردستان ایران قبل از هر چیز مبین نهرومندی نهضت رهایی ملی در منطقه و عجز حاکمیت ج.ا. در مقابله با آن است. در غیر این صورت لزومی به یاری ژنرالهای فاشیست ترکیه ناتوی نبود.

امروز تنها خلق کرد نیست که آماج گلوله، توپ و موشک سرکوبگران رژیم واقع شده است. در شرایط حاضر همه مردم در تمام نقاط کشور دچار انواع مصائب و محرومیت ها هستند و هر ندای اعتراض آنها با تهدید و سرکوب پاسخ داده می شود. پایه های حکومت ج.ا. نه تنها در کردستان بلکه در سراسر کشور آماج پیکار رو به گسترش و تعمیق کارگران، دهقانان و سایر اقشار مترقی است. همسویی پیکار ملی خلق کرد با مبارزه سراسری زحمتکشان میهن ما، علیه ارتجاع حاکم موجب تقویت بیش از پیش موقعیت نهضت ملی کردستان و بهمان نسبت سبب تضعیف موقعیت رژیم شده است. واقعیتی که رژیم را بر آن

اقتصاد ورشکسته و نتیجه قهری آن

بقیه از صفحه ۳
در سال گذشته آلمان غربی ۱۶ درصد، ژاپن با ۱۱ درصد و ترکیه با ۷ درصد کل واردات، مقامهای اول، دوم و سوم را در وارد کردن کالا به ایران داشتند. بریتانیا، ایتالیا، کره جنوبی، فرانسه و اسپانیا ۲۰ درصد کل واردات ایران را به خود اختصاص دادند. بدینسان رژیم هرچه بیشتر کشور ما را به خوان یغمای انحصارهای تک ملیتی و چند ملیتی جهان سرمایه داری مبدل ساخته است.

از مجموعه آنچه که گفته شد می توان نتیجه گرفت که دورنمای تاریکی در برابر اقتصاد کشور قرار دارد. ادامه جنگ فرسایشی که بخش قابل ملاحظه ای از بودجه کشور را می بلعد

و داشته که دست یاری بسوی ژنرالهای ترکیه دراز کند.

آنهاهی که گمان می کنند با کمک قوای نظامی ترکیه - تا بن دندان به تجهیزات مدرن آمریکایی مسلح است - قادر به سرکوب خلق کرد خواهند شد، کور خوانده اند. ارتجاع همواره از درک این نکته عاجز بوده و هست که آتش حقیقت مبارزه را با هیج آبی نمیتوان خاموش کرد. جنبش رهایی ملی کردستان معلول اراده گروهی کرد نیست که با سرکوب فیزیکی آنها پایان پذیرد. عزم خلق کرد به نبرد در راه گسستن زنجیر اسارت ملی از این واقعیت عینی سرچشمه می گیرد که در کردستان ستم دیرینه ملی وجود دارد و تا این ستم به قوت خود باقی است شعله نبرد در راه رهایی از آن نیز زیانه خواهد کشید و مرتجعین و سرکوبگرانی که در تحمیل نظریات ارتجاعی خود به انواع جنایتهای دست زده اند و می زنند در آتش این پیکار عادلانه خواهند سوخت. حتی اگر رژیم ج.ا. تمام ماشین جنگی اش را به کردستان گسیل دارد و تمام قوای نظامی ترکیه نیز در آن منطقه مستقر شود باز این خلق کرد است که در نهایت از این مصاف نابرابر پیروز و سربلند بیرون خواهد آمد.

حزب توده ایران سیاست رژیم در کردستان، تجاوز ترکیه به تمامیت ارضی میهن ما و شرکت آن در سرکوب خلق کرد را تقبیح و محکوم می کنند. ما بر آنیم که تجاوز ترکیه به کردستان کینه خلق کرد به حکام مرتجع ج.ا. را شدت خواهد بخشید و عزم آنها را در رزم علیه دشمنان رهایی ملی خلقها را سخته خواهد ساخت. در شرایطی که زمامداران مرتجع دو کشور در پیشبرد سیاست ارتجاعی خود مشترک و هماهنگ عمل می کنند وظیفه اصلی همه سازمانهای ملی و مترقی نیز باید تأمین وحدت عمل نیروها در جبهه انقلاب باشد. نقشه های شوم و مشترک دشمنان خلق را باید با برداشتن گامهای عملی در زمینه تأمین اتحاد نیروهای خلق برای واژگونی رژیم ج.ا. پاسخ داد.

ساکان مانع سرمایه گذاری در رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی خواهد شد. عدم وجود برنامه عمرانی از سویی و کاهش بودجه عمرانی و نیز عدم امکان صدور نفت به علت کاهش مصرف آن در جهان و در نتیجه ادامه جنگ، در آینده هم مانند گذشته تأثیر مخرب در اقتصاد کشور خواهد داشت. هزینه رو به افزایش جنگ خانمانسوز به موازات رشد غیر قابل توجه تولیدات صنعتی و کشاورزی موجب پیدایش کسری فزاینده ای در تراز پرداختها خواهد گردید.

نتیجه قهری سیاست ضد خلقی رژیم، گسترش بازار سیاه، صعود قیمت ها، افزایش سریع پیکاران - که تعداد آنها هم اکنون به ۲ میلیون نفر بالغ است - و تعمیق بیشتر ورطه میان فقر و ثروت خواهد شد.

به سرکوب خلق کرد باید پایان داده شود!

شکارچیان انسان در کمین توده‌ای‌ها

بقیه از صفحه ۱

پس از چند روز مداوم دچار عفونت روده شد و پزشکان تشخیص دادند که برای معالجه باید به تهران اعزام شود. اما این بار سپاهیان رژیم که دشمن سرسختی را از میان خیل انبوه زحمتکشان در حال مرگ می‌دیدند، عمداً در اعزام او تعلل ورزیدند و سرانجام زمانی رفیق ناصر به تهران رسید که دیگر کار از کار گذشته بود. رفیق ناصر در اوائل اردیبهشت ۶۲ جان بر سر آرمان‌های انقلابی خود نهاد.

رفیق ناصر هاشمی در سال ۱۳۳۲ در سنندج متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کارگری پرداخت. در سال ۵۴ در شرکت نفت سنندج استخدام شد و به صف کارگران نفت پیوست. در دوران انقلاب وی در اعتصاب کارگران شرکت نفت سنندج فعالانه شرکت داشت. به همین دلیل در زمان دولت موقت مشمول تصفیه شد. رفیق ناصر در سال ۱۳۵۹ به صفوف حزب توده ایران پیوست. وی که در بین زحمتکشان سنندج محبوبیت خاصی داشت موفق شد که ضمن افشای پیگیر نیروهای ارتجاعی و دفاع از منافع زحمتکشان گروهی از کومه‌ای‌ها را از ادامه فعالیت در این سازمان ضد انقلابی باز دارد و بسوی حزب طبقه کارگر جذب کند. به همین جهت بود که کومه‌ای‌ها کینه او را به دل گرفتند و سرانجام دست به خون آلودند. هنگامی که پیکر بی روح رفیق ناصر هاشمی را به سنندج بازگرداندند مردم این شهر با شکوه فراوان در تشییع جنازه شرکت کردند و یادش را گرامی داشتند.

دومین شکار کومه‌ای‌ها رفیق کارگر مصطفی شهرویرانی بود که همراه با یک رفیق فدایی و یکی از رفقای حزب دمکرات کردستان در مهاباد رفته شد. آدم ربایان او را به باد فحاشی و کتک گرفتند و چون توان ایستادگی در برابر دفاعیات شجاعانه او را نداشتند سه تن از آنها به نامهای کریم افسردلییر (از فتودال زادگان اطراف مهاباد)، خاله چالاک (فرزند سرمایه‌دار و قاچاقچی معروف به نام نبی جگر فروش) و مبشر خیال، او را به پشت مسجد فقرا کشاندند و وحشیانه به گلوله بستند. رفیق فدایی که ناظر مرگ رفیق مصطفی بود پس از پایان دوران اسارت خود می‌گوید: هنگامی که "مبشر خیال" از محل جنایت بازگشت به زمین و زمان دشنام می‌داد و در حالی که کف بر دهان آورده بود گفت: ...دم مرگ هم می‌خندید و می‌گفت: زنده باد حزب توده ایران.

رفیق مصطفی شهرویرانی در سال ۱۳۳۹ در مهاباد متولد شد. وی دوران کودکی و نوجوانی را بارنج و زحمت سپری کرد و اجبار داشت که ضمن ادامه تحصیل به دستفروشی و عملگی بپردازد. رفیق مصطفی با وجودی که موفق به گرفتن دیپلم شده بود به علت نقص عضو (پایش می‌لنگید) در هیچ جانتوانست استخدام شود و کماکان تا پایان عمر کارگری می‌کرد. وی از قبل از انقلاب هوادار حزب بود. پس از انقلاب در سازمان جوانان به

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت ۶۵ - امین سالگرد پایه گذاری حزب شما، شادباش‌های برادرانه خود را به شما تقدیم می‌داریم و پارادیکر امیدواری خود را برای ادامه تحکیم روابطمان بر پایه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم - صیہونیسیم و ارتجاع ابراز می‌داریم. کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی

بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد بنیان گذاری حزب کمونیست ایران به شما و توسط شما به تمام کمونیست‌های ایران صمیمانه شادباش می‌گوییم.

رفقای گرامی، آرزو مندیم که حزب شما با اتکاء به سنن انقلابی و تجارب غنی مبارزه طبقاتی در پیکار دلیرانه در راه منافع و حقوق دمکراتیک زحمتکشان ایران و در راه صلح و ترقی اجتماعی به موفقیت‌های تازه‌ای دست یابد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست

چکسلواکی

فعالیت پرداخت و در سال ۶۰ به مسئولیت یک حوزه حزبی برگزیده شد. رفیق مصطفی شهرویرانی یک دم از مبارزه در راه پیروزی انقلاب باز نایستاد و سرانجام در یکی از یورشهای کومه‌ای‌ها، که مرتباً به خانه رفقای حزبی ما حمله می‌کردند، ربوده شد و به قتل رسید. مسئولیت آدم ربایان با شخصی به نام "سیامند معینی" فرزند ناخلف سلیمان معینی بود. فردای روز شهادت رفیق مصطفی شهرویرانی، گروهی از رفقای توده‌ای پیکر بی جان او را در حالی که هنوز تبسمی بر لب داشت در محل جنایت یافتند. او در میان اندوه فراوان مردم مهاباد به خاک سپرده شد.

باشد که دست توانمند خلق از آستین بدر آید و به پاس این همه جنایت، خون آشامان را به سزای خود برساند. باشد که خون پاک توده‌ای‌ها و همه پیشروان جنبش انقلابی خلق کرد شکوفه‌های آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح را به بار آورد. یادش گرامی‌باد!

شهادت یکی از رفقای

تشکیلات دمکراتیک زنان در کرمانشاه

نیروهای سرکوبگر رژیم رفیق پروانه ... یکی از رفقای عضو تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کرمانشاه را پس از دستگیری با طناب خفه کردند و جسد بیجان او را در کنار رودخانه طاق بستان انداختند.

در جریان بمباران و حملات موشکی اخیر به کرمانشاه، مقامات شهر، سپاه، کمیته‌ها و دیگر ارگانهای سرکوبگر تلاش کردند تا با تبلیغ و تهدید مانع خروج مردم از شهر بشوند. اما واکنش مردم در برابر فشار رژیم تظاهرات موضعی، توأم با شعارهای ضد خمینی، ضد رژیم و ضد جنگ بود. در این میان گروهی از جاسوسان رژیم به شناسایی سازمان دهندگان تظاهرات پرداختند. باندهای آدم کش به راه افتادند، بر تعداد گشتی‌ها افزوده شد، شکار نیروهای انقلابی آغاز گشت و بسیاری از تظاهرکنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در این میان رفیق پروانه نیز مورد شناسایی قرار گرفت. چند روز پیش از دستگیری طی نامه تهدید آمیزی از وی خواسته شد که دست از فعالیت انقلابی بردارد و در عین حال هرچه زودتر برادر فراری‌اش را به سپاه معرفی کند. اما این گونه تهدیدها ثمری نداشت و رفیق پروانه کماکان به کاریگیری خود در سازمان دهی تظاهرات ضد جنگ ادامه داد. سرانجام نیروهای سرکوبگر شبانه به خانه‌اش ریختند، او را دستگیر کردند و به محل نامعلومی بردند. خانواده رفیق پروانه برای آزادی او به تلاش پرداختند اما به هیچ وجه نتوانستند ردی از او پیدا کنند. سرانجام پس از چند روز در

هفته همبستگی با خلق ایران ...

بقیه از صفحه ۸

نیروهای مترقی ایران ابراز داشت. فرانکو فونکی، ضمن تأکید بر ضرورت اتحاد نیروهای ترقیخواه ایران برای پایان دادن به موجودیت رژیم دیکتاتوری ایران، به تجربه مبارزات ضد فاشیستی نیروهای آزادیخواه ایتالیا اشاره کرد و از جمله گفت:

" زمانی فاشیسم در ایتالیا بقدرت رسید ... که اتحاد در بین نیروهای دمکرات در جامعه وجود نداشت ... و زمانی پیروزی برفاشیسم میسر گردید که همه نیروها زیر یک پرچم و برنامه واحد برای دستیابی به آزادی گرد آمدند و رژیم‌دند. اتحاد اساسی ترین عامل پیروزی ما بود.

اواسط فروردین پیکر بی جان وی که در درون یک گونی قرار داشت توسط باغبانی در کنار رودخانه طاق بستان کشف شد. رفیق پروانه پس از شکنجه بسیار با طناب خفه شده بود. از طرف استانداری به خانواده او فشار آوردند تا ادعا کنند که وی خودکشی کرده است. اما خبر این جنایت ننگین به زودی در سطح شهر پیچید و موجب رسوایی بیشتر رژیم شد.

درباره زندگی و مبارزه رفیق پروانه آگاهی زیادی نداریم. باشد که دوستان و نزدیکانش شرح کامل زندگی او را در اختیار "نامه مردم" قرار دهند.

یادش گرامی‌باد!

درود بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

وقتی برگزار می شود که دهانها بسته، قلم ها شکسته و ایران به زندان ایرانیها تبدیل شده است. طبیعی است که در چنین شرایطی هر انتخاباتی جز یک صحنه سازی مضحک نمی تواند باشد.

رئیس جمهوری کنونی رژیم، یعنی علی خامنه ای که قریب چهار سال است شاغل این مقام است، در عمل نشان داد که دشمن سوگند خورده آزادی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی است. او به عنوان یکی از گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" چهار سال به مردم دروغ گفت، ابتدایی ترین حقوق آنها را زیر پا گذاشت، به آتش جنگ خانمان برانداز دامن زد، و اکنون با کارنامه ای سیاه به پایان دوره ریاست جمهوری خود نزدیک می شود. نامزدهای رسمی ریاست جمهوری هنوز معلوم نیست. ظاهراً رژیم در صدد است، از راه بند و بست و تبهانی، در افکار عمومی این توهم را ایجاد کند که گویا انتخابات آزاد است. شرکت "نهضت آزادی" و مهندس بازرگان نیز بدین منظور در نظر گرفته شده است. ولی این کوشش ها بی فایده است. اینگونه زد و بندها هیچگونه تغییری در قضاوت افکار عمومی نسبت به رژیم خینی نخواهد داد. ما قصد نداریم وارد جزئیات اقدامات مذبحخانه رژیم درباره انتخابات شویم و نقض صریح اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی را که مستند اقدامات دولت است، آشکار سازیم. اینها مسائلی است فرعی، که در اصل مسئله هیچگونه تغییری نمی دهد.

ما رژیم "ولایت فقیه" را یک رژیم ارتجاعی قرون وسطایی می دانیم که بقای آن با آزادی، استقلال و حاکمیت ملی ایران تعارض دارد. از این روی مهمترین وظیفه ای که در برابر مردم ایران قرار دارد، مبارزه پیگیر با استفاده از تمام وسائل و امکانات برای سرنگون کردن این رژیم است. ما انتخابات رییس جمهوری را یک خیمه شب بازی مفتضح برای منحرف کردن افکار عمومی می دانیم و آنرا تحریم می کنیم. بدیهی است که تحریم به معنی بی تفاوت ماندن در قبال این صحنه سازی نیست. باید آنرا باتمام وسایل افشاء کرد و از این افشاکاری برای تجهیز توده ها، به منظور تحقق شعار اصلی مبارزه، یعنی سرنگون کردن رژیم ضد خلقی استفاده کرد. تا روزی که خمینی و دستیارانش بر اریکه قدرت نشسته اند، هرگونه موضع گیری حزب مادر قبال تصمیمات و اقدامات آنها، تابع شعار اصلی، یعنی مبارزه برای سرنگون کردن رژیم خواهد بود. این رژیم باید سرنگون شود، زیرا علان نشان

بقیه در صفحه ۷

اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی کنستروکسیون

در شرکت ساختمانی کنستروکسیون، با مدیریت دولتی، بعلت عدم پرداخت ۷ ماهه حقوق کارگران، اعتصاب ۲ روزه ای روی داد. این اعتصاب با اخراج ۸ تن از فعالین آن و همراه با تهدید کارگران و نیز وعده پرداخت حقوق عقب افتاده پایان یافت.

کارگران به وزارت کار شکایت کردند که دست اندرکاران قول دادند که حقوق ۲ تا ۲ ماه آنها را می دهند و بقیه را در آینده پرداخت خواهند کرد.

تظاهر کنندگان وارداتی برای تظاهرات روز قدس

رژیم که دیگر در بین توده های مردم پایگاهی ندارد، برای جلب مردم بخاطر شرکت در مراسم و آیین های فرمایشی به هزار دوز و کلک و تهدید متوسل می شود. در جریان برگزاری راه پیمایی روز قدس و نماز عید فطر، دست اندر کاران برای آنکه سیاهی لشکر جمع کنند، از جمله با صرف هزینه گزاف دست به وارد کردن "تظاهر کننده" از روستاهای اطراف تهران، کرج و قزوین زدند. تظاهر کنندگان وارداتی با مینی بوس به تهران منتقل شدند تا تظاهرات به اصطلاح ۵ میلیونی به راه افتد.

واحدهای ضربتی

ترمیم خرابی های بمباران

رژیم برای کوچک جلوه دادن تلفات جانی و خسارات بزرگ مالی بمبارانها در برابر افکار عمومی، تلاش بسیاری به کار می بندد. اولاً محل بمباران، شمار کشته شدگان و زخمی ها را اعلام نمی کند. ثانیاً واحدهای ضربتی برای ترمیم خرابی ها تشکیل داده است. کار این واحد ها عبارت از آن است که در اسرع وقت تا آنجا که ممکن است بناهای کم آسیب دیده را ترمیم و بناهای غیر قابل ترمیم را با خاک یکسان کنند.

اعتصاب کارکنان شرکت بلانت

حدود ۲۵۰ نفر از کارکنان شرکت ساختمانی بلانت، شرکت مختلط ایرانی - آمریکایی، به مدیریت برادران بلانت که در حال حاضر زیر نظر دولت اداره می شود، بخاطر ۴ ماه عقب افتادگی حقوق دست به اعتصاب زدند. اعتصاب ده روز ادامه داشت و با وعده پرداخت حقوق پرداخت شده، کارگران و کارمندان به سر کار خود بازگشتند.

به مامی نویسند

تظاهرات ضد جنگ در کوی نصر (کیشا)

پس از بمباران کوی نصر (کیشا) که شدیدترین بمباران تهران، خواه از نظر قدرت تخریب و خواه از نظر شمار تلفات، بود، هزاران تن از ساکنان محل به خیابان ها ریختند و با شعارهای "مرگ بر جنگ طلب! مرگ بر خمینی!" دست به تظاهرات زدند. ظنین فریادهای مردم تظاهر کننده محله را به لرزه در آورده بود. این تظاهرات از ساعت ۱۰ تا یک بعد از نیمه شب ادامه داشت.

پس از بمباران، بلافاصله پاسداران و کمیته چی ها محله را محاصره کردند و پیش از هر اقدامی به سراغ زنان ساکن محل که وحشت زده و سراسیمه از خانه هایشان به خیابان ریخته بودند و هراسان به این سو آن سوی دیدند، رفتند. در آن هنگام، پاسداران با برخورد های خشونت آمیز خود با زنان، صحنه های زننده و نفرت انگیزی می آفریدند. آنها پایی زنان می شدند که چرا شامی حجاب به خیابان آمده اید و روسری ندارید.

بعلاوه رژیم که از خشم و ناخشنودی مردم نسبت به ادامه جنگ و حکومت آگاه است، برای به اصطلاح عادی کردن اوضاع، گروهی مزدور را با موتور سیکلت و گروهی دیگر را با مینی بوس به محل اعزام کرده بود. آنها بلافاصله شروع به نعره کشیدن کردند و شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" دادن کردند، هادی غفاری هم در راس یک باند اوپاش و پاسداران مسلح که برای سرکوب تظاهرات ضد جنگ سازمان داده شده است، در محل حاضر شد. اوپاش ونجیر بدست به جان مردم بی دفاع افتادند. در نتیجه تعدادی زخمی و شماری دستگیر شدند. بعد از متفرق شدن مردم، تا مدتی همچنان اوپاش سرگرم عربده کشی و تیراندازی هوایی بودند.

کوچ مردم به خارج از شهر

در پی بمباران های تهران، بخش چشمگیری از ساکنان تهران به خارج از شهر پناه برده اند. شیها، کسانی که وسیله نقلیه ای دارند (کامیون، وانت بار، سواری و غیره) به خارج از شهر می روند و صبح برای رفتن به سر کار بر می گردند. بطور عمده تنها کارگران و زحمتکشان هستند که در شهر باقی می مانند.

در این روزها در فشم و میگون طویل را شبی پانصد تومان اجاره داده اند. در باغهای کرج خوابیدن روی تختخواب شبی ۲۰۰ تومان و روی زمین شبی ۱۰۰ تومان خرج بر می دارد.

جنگ عامل تشدید کننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان،
بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

هفته همبستگی با زحمتکشان ایران در فرانسه و انگلستان

در پاسخ به فراخوان کمیسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران و پشتیبانی همدراسیون سندیکایی جهانی، دایر بر برگزاری هفته همبستگی با زحمتکشان ایران، به ابتکار کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث.ژ.ت) و سازمانهای زیر پوشش آن، تحت شعارهای استقرار حقوق دمکراتیک و حقوق سندیکایی در ایران، پایان دادن به جنگ و آزادی زندانیان سیاسی، هفته همبستگی در مناطق مختلف فرانسه، از جمله در پاریس، استراسبورگ، مونت پلیه، تولوز، لیل، نانت، ماری، لیون و نیس برگزار شد.

در شهرستانهایی که ث.ژ.ت برنامه رادیویی دارد، مطالب متعددی در افشاء سیاست ج.ا.ا. اعمال شکنجه در زندانها و جنگ ضد مردمی ایران و عراق پخش شد و از مردم فرانسه خواسته شد که با زحمتکشان کشور ما اعلام همبستگی کنند. فعالان سندیکایی از جمله سندیکای الکتریسیته و چند سندیکای دیگر جلسات متعددی برگزار کردند. در کمیسیون اجراییه اتحادیه های مناطق شمال که با حضور طرفداران کمیسیون ارتباطات تشکیل شد درباره مسائل انقلاب ایران مذاکراتی به عمل آمد و پس از سخنرانی مسئول امور بین المللی، تصمیمات اتخاذ شده در جزوه ای با عنوان "وضع ایران بسیار وخیم است" انتشار یافت و در اختیار واحدهای مربوطه قرار گرفت.

در شهر استراسبورگ که مرکز پارلمان اروپایی است، به دعوت سازمان ث.ژ.ت میتینگی در خانه سندیکاها برگزار شد. در این میتینگ که نمایندگان مطبوعات، فعالان سندیکایی، نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی فرانسوی و خارجی شرکت داشتند، روبر کلاین، دبیر کل ث.ژ.ت منطقه، خانم ژاکلین مسئول بین المللی ث.ژ.ت همچنین نماینده کمیسیون ارتباطات سخنان مفصلی ایراد کردند. خانم ژاکلین روز اول ماه مه را روز همبستگی با زحمتکشان ایران اعلام داشت. همچنین نمایندگان سازمانهای مختلف فرانسه از جمله نماینده حزب کمونیست منطقه و نمایندگان سازمانها و سندیکاها پیام های کوتاهی فرستادند و سرانجام قطعنامه ای به تصویب رسید. این قطعنامه که مضمون آن را شعارهای اعلام شده از جانب ث.ژ.ت تشکیل می داد به مراجع رسمی ایران در فرانسه ابلاغ شد.

در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه در فرانسه، مبارزان ضد رژیم، بویژه طرفداران کمیسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران در صفوف مقدم تظاهرات مردم بودند. این تظاهرات در پاریس برجستگی خاصی داشت و شعارهای نیروهای مترقی کشور ما مورد استقبال مردم فرانسه قرار گرفت.

مراسم هفته همبستگی با زحمتکشان ایران در فرانسه در روزنامه های مختلف کشور، از جمله

"اومانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه انعکاس یافت. همچنین با نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی مصاحبه های مفصلی درباره وضع کشور انجام گرفت.

در انگلستان

پس از انتشار فراخوان کمیسیون ارتباطات سندیکایی در انگلستان تظاهراتی در برابر سفارت ایران در لندن برگزار شد. در این تظاهرات گروه کثیری از سندیکالیست ها و نیروهای مترقی انگلیسی، ایرانیان و مهاجران دیگر کشورها شرکت داشتند. شعارهای اساسی تظاهر کنندگان عبارت بود از:

- جنگ ایران و عراق باید پایان یابد،
- به قتل و شکنجه فعالان سندیکایی باید پایان داده شود،

زندانیان سیاسی ایران باید آزاد شوند. همچنین در جشنی که به مناسبت اول ماه مه به ابتکار کمیسیون ارتباطات در لندن برگزار شد، شورای اتحادیه های شهر لندن بزرگ، اتحادیه های کارگران چاپخانه، اتحادیه معدنیان و اتحادیه حمل و نقل شماره ۱ و صدها نفر از فعالان سندیکایی و نیروهای مترقی انگلستان شرکت داشتند. در این جشن که نماینده "شورای اتحادیه های شهر لندن بزرگ آن را اداره می کرد، پس از خوانده شدن پیام کمیسیون ارتباطات به مناسبت اول ماه مه و پخش نشریه "اتحاد" به زبان انگلیسی در میان شرکت کنندگان از جمله اتحادیه های زیرین با زحمتکشان ایران اعلام همبستگی کردند:

اتحادیه کارگران تنباکو، اتحادیه کارگران مهندسی و بخش فنی و مشاوره ای، اتحادیه کارگران آتش نشانی. در هفته همبستگی در انگلستان، سندیکاهای کارگری این کشور با سیما واقعی زحمتکشان ایران و مبارزه آنها بیشتر آشنا شدند و اعلام داشتند که برای بر آوردن خواستهای کمیسیون ارتباطات از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۶
داده است که قادر به هیچگونه تحوولی در جهت مثبت نیست. حکومت خمینی که زائیده انقلاب ۲۲ بهمن بود، اکنون به یک حکومت ضد انقلابی عنان گسسته تبدیل شده است. رژیم "ولایت فقیه" تاکنون دهها هزار تن از بهترین فرزندان کشور ما را به خاک و خون کشیده است. در جنگی که خمینی، به عنوان یک بازی هلاکتبار خصوصی دنبال می کند، چنان صدمات جانی و مالی بر کشور ما وارد شده است، که چیران آن در طی دهها سال ممکن نیست. علیرغم تشدید ترور و اختناق، جنبش اعتراضی در کشور ما نضج می گیرد. مبارزه و مقاومت عمومی مانند شعله های آتش بتدریج

گل سرخی که هیچگاه نخواهد پژمرد

بقیه از صفحه ۱

سازمانگران این کارزار، که از احترام فراینده حزب توده ایران در میان مردم به وحشت افتاده بودند، با دستیازی به همه گونه اتهامات ساختگی این رفقا را "محاکه" و بسیاری از رهبران حزب را به مرگ محکوم کرده اند.

"نان دان" سپس می افزاید:

"جهانیان مترقی این سرکوبگری های خونین کمونیست ها و نیروهای دمکراتیک و پیشرفت جوی ایرانی را سخت محکوم می کنند. چنین کارزاری جز خیانت به هدفهای والای انقلاب فوریه ۱۳۷۸ و در راستای منافع امپریالیسم و تاریک اندیشانی نیست، که خواستشان استقرار رژیم ددمنش و خودکامه در ایران و پایمال کردن منافع مردم است."

ارگان مرکزی حزب کمونیست ویتنام پس از اشاره به جنایات بی شمار بی پایان رژیم جمهوری اسلامی می نویسد:

"ما انزجار عمیق خود را نسبت به سرکوبگری ظالمانه و کارزار جهل پرورانه رژیم ایران ابراز می داریم. کمونیست ها و مردم ویتنام خواهان پایان بی درنگ این اقدامات هستند. ما بر آنیم، که همچون گذشته، اکنون و در آینده و نیز هیچگونه سرکوبگری نمی تواند کمونیست های ایرانی و حزب توده ایران را نابود سازد."

در پایان مقاله "نان دان" می خوانیم:

"مردم ویتنام ایمان دارند که گل سرخ "توده" هیچگاه نخواهد پژمرد. حزب توده ایران همواره به رزم دلیرانه خود در راه پیشبرد منافع طبقه کارگر و مردم ایران و گسستن زنجیرهای بردگی و ستم ادامه خواهد داد."

ده ها هزار تن در سیاهچالهای رژیم در سراسر کشور دربندند. آنها در شکنجه گاهای اوین و "اتاقهای تمشیت" به وحشیانه ترین شکلی عذاب می بینند و تحقیر می شوند. برای چه؟ برای خواست آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح. وظیفه ماست که برای نجات این سربازان راه رهایی خلق از هیچ کوششی فروگذار نکنیم.

وسعت می یابد. آثار این مبارزه را در هر گوشه کشور می توان آشکارا دید. این مبارزه امید بخش است و از فردایی خبر می دهد که در آن از دژخیمان حاکم، جز لعن و نفرین اثری بر جای نیست. حزب توده ایران، که خود یکی از قربانیان رژیم جهل، جنایت و جنگ است، تحلیل خود را در قبال حکومت خمینی و همدستان او، در بیانیه مشترک، با کمال صراحت عرضه کرده است. روش ما در قبال صحنه سازی انتخابات ریاست جمهوری ناشی از همان تحلیل است. تحریم انتخابات، مبارزه برای افشاء آن و استفاده از این افشاگری برای تجهیز توده ها به منظور سرنگون کردن رژیم. این است شعار ما.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تیرماه ۱۳۶۴

نقض خشن موازین زندگی بین المللی

این روزها مجلس نمایندگان آمریکا به دولت این کشور اختیار داد که اگر لازم باشد در نیکاراگوئه مداخله نظامی کند. از جمله شرایطی که برای مجاز بودن مداخله ذکر شده، ورود هواپیماهای جنگی ساخت شوروی به کشور و همچنین تشخیص خطرناک شدن ارتش نیکاراگوئه برای امنیت ایالات متحده آمریکا است. ردیف کردن اینگونه ازاچیف در مجلس قانونگذاری کشور که مهندسان سازمان ملل متحد است و مسئولیت سنگینی در مورد صلح و امنیت جهانی بعده دارد نشانگر بی مسئولیتی و انحطاط کامل اخلاقی در دستگاه حاکمه کنونی آمریکاست.

بدنبال تصویب کمک ۱۴ میلیون دلاری نظامی برای ضد انقلاب نیکاراگوئه این دومین گام ننگینی است که توسط مجلس نمایندگان آمریکا در راه مداخله مستقیم نظامی در این کشور برداشته می شود. البته دولت ریگان بدون اینکه پشتیبانی بی پرده مجالس قانونگذاری آمریکا را نیز داشته باشد، از مدتها پیش مداخلات نظامی در نیکاراگوئه را شروع کرده و هر روز ابعاد وسیع تری به آن می دهد. مین گذاری در آبهای ساحلی نیکاراگوئه که منجر به آسیب دیدن چندین کشتی گردید و انجام مانورهای نظامی بدون انقطاع، همراه ارتش هندوراس در نزدیکی مرزهای نیکاراگوئه و آموزش و تجهیز و اعزام باندهای تروریست و خرابکار از هندوراس و کستاریکا به داخل کشور و اعلام تحریم کامل اقتصادی و غیره، همه و همه حاکی از جنگ اعلام نشده دولت آمریکا علیه انقلاب مردم نیکاراگوئه است. اما اینک دست ریگان برای تدارک جنگ برق آسا، نظیر آنچه که در گرنادا صورت گرفت، علیه کشور نیکاراگوئه بازتر می شود.

باید گفت که نیکاراگوئه، در آستانه ششمین سال پیروزی جنبش ساندینیستی علیه دیکتاتوری خونخوار وابسته به امپریالیسم آمریکا، با وجود سرزمین کوچک و جمعیت اندک خود از امکانات بیشتری برای مقاومت سرسختانه در برابر تجاوز آمریکا برخوردار است و آنچه که در توان دارد انجام خواهد داد تا این تجاوز را با ناکامی مواجه سازد. در این راه مردم نیکاراگوئه از پشتیبانی کامل تمام مردم مترقی و شرافتمند در سراسر جهان برخوردارند.

در زمانهای اخیر سیاست ماجراجویانه و تجاوزی امپریالیسم آمریکاییپوسته دامنه گسترده تری بخود می گیرد. در هیچ نقطه ای از جهان و در هیچ عرصه ای از زندگی بین المللی نیست که دولت آمریکا در آن با خودسری های پرتری جویانه امنیت و صلح را به خطر نینداخته باشد. همین چندروز پیش مردم جهان شاهد زیر پا گذاشتن کامل قرارداد سالت-۲ و آزمایش جنگ افزار با اشعه لیزر در فضای کیهانی بمنظور

تظاهرات ضد جنگ در آمریکا

در پی تشدید جنگ ایران و عراق و مبارزان مناطق مسکونی و غیر نظامی، اعضاء و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آمریکا، در جنوب کالیفرنیا، تظاهرات اعتراض آمیزی را علیه ادامه جنگ سازمان دادند. شرکت کنندگان در این تظاهرات با پخش اعلامیه، حمل شعار و



تدارک جنگ ستارگان و یا باصطلاح "ابتکار دفاعی استراتژیکی" بودند که مجموعه زندگی در سیاره زمین را در معرض خطر جدی قرار می دهد.

کشورهای جهان در چارچوب سازمان ملل متحد، پس از سالها گفتگو بالاخره راه حلی معقول و عادلانه برای استفاده مسالمت آمیز از فضا و اقیانوس جهانی یافتند. ولی دولت آمریکا از امضای آن خودداری کرد و اینک با وقاحت یک کشور امپریالیستی، به همراهی برخی از متحدانش در پیمان ناتو، تدارک بهره برداری غیر قانونی از ذخایری را می بیند که به تمام مردم جهان تعلق دارد. آخرین نمونه ماجراجویی و زورپرستی امپریالیسم آمریکا را اینروزها جهانیان در اطراف لبنان مشاهده کردند. کشتی های جنگی آمریکایی با بهانه قرار دادن یک هواپیما ربایی از نودر سواحل لبنان پرسه می زنند.

نتیجه اینکه امپریالیسم جهانخوار آمریکانه تنها منافع قانونی دیگر کشورها و خلقها بلکه امنیت و حق حاکمیت آنها و همچنین صلح جهانی و زندگی در روی زمین را با خطری بسیار جدی مواجه کرده است. او اینرو برای حفظ صلح و زندگی و بازداشتن دست محافل تجاوز گر دولت کنونی آمریکا از جنگ اندازی به نیکاراگوئه و دیگر نقاط زمین، مبارزه مشترک و هماهنگ تمام نیروهای صلحدوست و مترقی و ضد امپریالیست از همه کشورهای جهان لازم است.

پوسترهای ضد جنگ خواستار پایان دادن به این جنگ خانمانسوز شدند.

این نمایش ضد جنگ از پشتیبانی ۲۷ اتحادیه دانشجویی و سازمان صنفی و سیاسی از کشورهای گوناگون از جمله سازمان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و سازمان جوانان کمونیست در لوس آنجلس برخوردار گردید.

در پایان این نمایش ضد جنگ، ماریو واسکز، حقوقدان مترقی و عضو هیئت ریسه شورای صلح آمریکا طی سخنانی در رابطه با جنگ ایران و عراق، بر لزوم ایجاد اتحاد هرچه وسیعتر نیروهای انقلابی در مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی تاکید کرد.

هفته همبستگی با خلق ایران در ایتالیا

در ماه مارس، هفته همبستگی با مبارزات مردم ایران از سوی "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران" و "کمیته هماهنگی دانشجویان دمکرات ایران" در ایتالیا با همکاری "انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا" (استان لاتسیو)، "انجمن احیاء فرهنگی ایتالیا" و روزنامه پرتیراژ و مترقی "پائزه سرا" در منطقه "سن لورنزو" برگزار شد.

در طی هفته همبستگی، یک نمایشگاه عکس، طرح و نقاشی برپا شد. این نمایشگاه با استقبال چشمگیری روبرو گردید. بازدید کنندگان از نمایشگاه با شرایط سرکوب آزادی ها و حقوق دمکراتیک در ایران آشنا شدند.

به مناسبت هفته همبستگی با خلق ایران، "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران" در ایتالیا، با صدور اعلامیه ای پیرامون پایمال سازی ابتدایی ترین حقوق انسانی و کاربرد وحشیانه ترین شکنجه های غیر انسانی در زندانهای ایران، همه نیروهای آزادیخواه و مترقی ایتالیا را فرا خواند تا با بهره جویی از کلیه امکانات برای نجات جان ممنوعان دربند خود در جمهوری اسلامی تلاش ورزند.

در شب پایانی "هفته همبستگی" میزگردی با حضور نمایندگان "کمیته هماهنگی دانشجویان دمکرات ایران در ایتالیا" برگزار شد. در این میزگرد پس از افشاکاری های نمایندگان "کمیته هماهنگی" و نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در ایتالیا "پیرامون اوضاع ایران، فرانکو فونکی، به نمایندگی از طرف "انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا" همبستگی خود را با مردم و بقیه در صفحه ۵

کمکهای مالی رسیده:

م.ن از فرانکفورت ۱۰۰ مارک
ر. عطا از لوس آنجلس ۵۵۰ دلار
کمک هواداران از کانادا ۱۰۰۰ مارک

NAMEH
MARDOM
No: 57

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

JUNE 4, 1985